

# گزاشته‌ها

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی  
دوره سوم، سال هفتم، شماره یکم و دوم، بهار - تابستان ۱۴۰۱ [انتشار: زمستان ۱۴۰۲]

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، سی سال تلاش • معرّفی کهن‌ترین نسخه چهارمقاله نظامی عروضی، کتابت قرن هشتم هجری / امیر ابوزاد • شاعران کجیچی: خانواده‌ها، شعر و اشکال حمایت در آذربایجان و فراتر از آن (قرن چهاردهم تا هفدهم) / کریمت ووزو، ترجمه: مهدی رحیمپور • کتیبه دوزخانه زلمسکورت / احسان شیرازی، با همکاری ایگور اشیراوخ  
پندنامه انوشیروان: دست‌نویسی نویافته از منظومه امیرالشعرا برهانی نیشابوری / مهدی طهباس • یادکرد «خلیج فارس» در قاموس‌های تورات عبری و تلمود / حیدر عبیوس  
رسالة دموذات تحریر عبارات / علی بودی • بررسی بیثی از دیوان انوری ایبوردی / محمود علی‌پور • تذکره المعاصرین، تذکره‌ای ناب از سراینندگان فارسی‌سرا / جمیل جالی، ترجمه: انجم حمید • بیثی نویافته از سنایی غزنوی / محسن احمدپوشی • مثل‌ها و کنایات مشترک فارسی و عربی رایج در فلسطین / سهیل باری گنڈو • عارف ایچی یا عارف الحی اصفهانی؟ (ادراکی بر یک بدخوانی از مصحح لطائف الحیال) / محمدمصطفی خاتمی • بررسی کتاب تلفظ در شعر کهن فارسی (اوراست دوم) / مهدی کمالی  
بزرگ‌های کهن از ترجمه پارسی قرآن مجید (قرآن شیرازی) / میلاد یگلدو • نقلی بر کتاب نظامی گنجوی: زندگی و آثار/ مهدی فیروززاد • مختصری درباره شیوه ضبط کلمات زبان‌های ایرانی میانه غربی، ایرانی باستان، هلندی باستان و یونانی به خط فارسی / سید احمدرضا قاسمی • شیوه ضبط واژه‌های متون میخی به خط فارسی / سهیل بنیاد • زندگی و آثار فرانضی زاده محمّدسعید افغانی / نسرته صالح • پاسخی به نوشته عارف نوشاهی درباره فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه کنگره / علی منوری آقاند



شده خوان ز عشق دیرت  
کفتی اندر غم رخ لب  
با سنی قدر صدق کنت جلال  
ما که دارم بره بزه و مضام  
کست در دیده دور باب بت  
شاه بر تخت جمهرش رای  
که بطفتم نمای رنجبال  
کنت با وی سنی هک کل روی  
هر زمانه ترا ندیدم  
پریان چون گنبد بر کنای پای  
پندراست تا بعد قاف  
که سبزه جوان و پسنبل روی  
پست رامی در از در پیشت  
کر چه دایم که دل شود بر شیت

## فهرست

### سرخن

مؤسسسه پژوهشی میراث مکتوب: سی سال تلاش ..... ۵-۶

### جستار

- معرفی کهن‌ترین نسخه چهارمقاله نظامی عروضی، کتابت قرن هشتم هجری / امیر ارغوان ..... ۷-۱۸  
 شاعران کججی: خانواده‌ها، شعر و اشکال حمایت در آذربایجان و فراتر از آن (قرن چهاردهم تا هفدهم) /  
 کریمستف ورنر: ترجمه: مهدی رحیم‌پور ..... ۱۹-۳۵  
 کتبه دوزبانۀ زلمکوت / احسان شواربی: با همکاری ایگنو اشتراوخ ..... ۳۶-۵۵  
 پندنامه انوشیروان: دستنویسی نویافته از منظومه امیرالشعرا برهانی نیشابوری / مهدی طهماسبی ..... ۵۶-۶۹  
 یادکرد «خلیج فارس» در قاموس‌های تورات عبری و تلمود / حیدر عیوضی ..... ۷۰-۷۲  
 رساله رموزات تحریر عبارات / علی بوذری ..... ۷۳-۷۸  
 بررسی بیتی از دیوان انوری ابیوردی / محمود عالی‌پور ..... ۷۹-۸۱  
 تذکره المعاصرین، تذکره‌ای نایاب از سرایندگان فارسی‌سرا / جمیل جالبی: ترجمه: انجم حمید ..... ۸۲-۸۹  
 بیتی نویافته از سنایی غزنوی / محسن احمدوندی ..... ۹۰-۹۲  
 مثل‌ها و کنایات مشترک فارسی و عربی رایج در فلسطین / سهیل یاری گلدزده ..... ۹۳-۹۵  
 عارف ایجی یا عارف الحی اصفهانی؟ (درنگی بر یک بدخوانی از مصحح لطائف الخیال) / محمدصادق خاتمی ..... ۹۶-۹۷

### نقد و بررسی

- بررسی کتاب تلفظ در شعر کهن فارسی (ویراست دوم) / مهدی کمالی ..... ۹۸-۱۱۴  
 برگ‌های کهن از ترجمه پارسی قرآن مجید (قرآن شیرانی) / میلاد بیگدلو ..... ۱۱۵-۱۲۳  
 نقدی بر کتاب نظامی گنجوی: زندگی و آثار / مهدی فیروزیان ..... ۱۲۴-۱۳۲

### پژوهش‌های دبالتی

- مختصری درباره شیوه ضبط کلمات زبان‌های ایرانی میانه غربی، ایرانی باستان، هندی باستان و یونانی به  
 خط فارسی / سیداحمدرضا قائم‌مقامی ..... ۱۳۳-۱۳۷  
 شیوه ضبط واژه‌های متون میخی به خط فارسی / سهیل دلشاد ..... ۱۳۸-۱۴۶

### ایران در متون و منابع عثمانی (۲۶)

- زندگی و آثار فرائضی‌زاده محمدسعید افندی / نصرالله صالحی ..... ۱۴۷-۱۴۹

### دبارة نوسازی پیرین

- پاسخی به نوشته عارف نوشاهی درباره فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه کنگره /  
 علی صفری آق‌قلعه ..... ۱۵۰-۱۵۵

سالنامه  
میراث  
میراث



(۱۴۰۲-۱۳۷۲)

این کار در نقل کلمات زبان‌های جدید نیز به‌طور دقیق ناممکن است. مثلاً نشان دادن سنسکریت، که نوعی شین است با برگشت زبان به سمت کام، یا  $\ddot{t}$  در همان زبان، با خصوصیتی شبیه به  $\ddot{s}$  مذکور، در خط فارسی به‌طور دقیق ممکن نیست. یک راه وضع نشانه‌هایی تازه است که به حرف «ش» و «ت» فارسی اضافه شود و این تا حدی نقض غرض است، چون ممکن است خواندن را دشوار کند. در مورد دوم البته می‌توان از «ط» استفاده کرد، ولی شاید آن هم راه درستی نباشد، چراکه اولاً فارسی‌زبانان «ط» و «ت» را به یک سان تلفظ می‌کنند و ثانیاً به کار نبردن حروف خالص عربی شاید در این کار درست‌تر باشد، مگر در مورد نام‌ها و کلماتی که از قدیم ایام به این املا وارد عربی و فارسی شده‌اند، مانند افلاطون و ارسطو.<sup>۲</sup> بنابراین، راه درست ظاهراً همان استفاده از «ش» و «ت» است. مع‌هذا، می‌توان صورت دقیق‌تر را در بار اول در داخل کمانک یا در پایین صفحه به خط معمول آوانویسی یا واج‌نویسی این کلمات نقل کرد، یا در همان بار اول توضیحی درباره تلفظ کلمه در پایین صفحه آورد. شاید لازم به یادآوری نباشد که یک مقصود از نقل این کلمات به خط فارسی آسان‌خوان‌تر کردن آن‌هاست و برای چنین مقصودی چنین توضیحات اضافه‌ای نالازم نیست.

یک راه نزدیک شدن به مقصود کمک گرفتن از ضبط این کلمات و کلمات مشابه در سنت یا در گذشته زبانی است، به این معنی که می‌توان این کلمات را به همان صورت ضبط کرد که در بعضی متون قدیم تاریخی و جغرافیایی و علمی ضبط شده‌است، یا از آن متون و شیوه‌آن‌ها برای ضبط کلمات مشابه کمک گرفت، و در مورد کلمات ایرانی صورتی از کلمه را اختیار کرد که در زبان فارسی به کار رفته‌است، به شرط به کار رفتن. مثلاً در اوستا ایزد معروفی است که نام او Mithra است. این نام به‌صورت مهر به فارسی رسیده‌است، پس می‌توان همه جا همان مهر را به کار برد، مگر آن‌که به دلایلی ذکر عین لفظ اوستایی لازم آید. یا کلمات سنسکریت، خصوصاً، و زبان‌های هندی، عموماً، را می‌توان به کمک ترجمه‌های متون سنسکریت در زمان سلاطین بابری هند یا

۲. نوشتن این کلمات به «ط» هیچ علت آواشناختی‌ای نداشته‌است؛ نویسندگان عربی‌نویس قرون گذشته کلمات اعجمی دارای آوای «ت» را غالباً به «ط» نوشته‌اند.

## مختصری درباره شیوه ضبط کلمات زبان‌های ایرانی میانه غربی، ایرانی باستان، هندی باستان و یونانی به خط فارسی

سید احمد رضا قائم مقامی

دانشگاه تهران  
qaemmaqami@ut.ac.ir

ضبط نام‌ها و کلمات زبان‌های کهن به خط فارسی مخصوصاً در مباحث تاریخی و جغرافیایی و زبان‌شناختی و دین‌شناختی ناگزیر است؛ نه همیشه می‌توان این نام‌ها و کلمات را به الفبای اروپایی یا الفبای آوانگار برگرفته از خط لاتینی نوشت، و نه اگر بتوان چنین کرد، چنین کاری مطلوب است. اول ضررش این است که خواندن و فهم درست نوشته را منحصر در گروه خاصی می‌کند و بقیه را محروم. به همین سبب و اسباب دیگر، از گذشته این کلمات را به خط عربی و فارسی منتقل کرده‌اند.<sup>۱</sup> جهت دیگر مسأله این است که شاید خط فارسی هم بتواند به تقریب صورت نزدیک به تلفظ اصل این کلمات را منتقل کند، چنان‌که در زبان‌های اروپایی نیز، با وجود نقص خطوط آنان (و همه خط‌ها ناقصند)، همیشه خود را ملزم به استفاده از خط آوانگار نکرده‌اند. جهت سوم این است که عوض کردن مداوم قلم از فارسی به قلم اروپایی نوشته فارسی را قدری نازیبا و از نظر فنی قدری دشوارنویس می‌کند. پس راه معقول این است که تا آن‌جا که به دقت علمی مطلب صدمه نخورد، خط فارسی را برای نقل نام‌ها و کلمات زبان‌های مرده یا نیمه‌مرده به کار گیریم و در عین حال به شیوه درست به کار گیریم.

اما واقع آن است که همیشه نمی‌توان صامت‌ها و مصوت‌های این زبان‌ها را به خط فارسی نقل کرد، چنان‌که

۱. مقصود در این‌جا بیش‌تر کلماتی است که فقط به خط عربی یا فارسی در نوشته‌های دانشمندانی مانند ابوریحان نقل شده‌اند، نه کلماتی که با تحولات آوایی وارد این دو زبان شده‌اند؛ گرچه این دسته دوم نیز در این نوشته در مد نظر ما هست.

نوشته‌های دانشمندانی مانند ابوریحان بیرونی یا مورخان فارسی‌نویس آن سرزمین در دوران تسلط مسلمانان به خط فارسی نقل کرد، و این بی‌تردید بهترین شیوه است و چیزی است که در صفحات بعد روشن‌تر خواهد شد.

برای بیان آسان‌تر مطلب چند زبان مهم در مطالعات تاریخی و جغرافیایی و دینی و زبانی را انتخاب می‌کنیم و به تفکیک، با ذکر مثال‌ها و شاهد‌هایی، بحث خود را پی می‌گیریم.<sup>۳</sup>

### الف. پهلوی و پهلوی اشکانی

مصوت‌ها و صامت‌های این دو زبان با مصوت‌ها و صامت‌های فارسی امروز اختلاف چندانی ندارد و به همین سبب، ضبط کلمات این دو زبان نباید دشواری چندانی ایجاد کند؛ اما در عمل کرده‌است و علت آن است که فارسی‌زبانان متوجه نبوده‌اند (و اگر متوجه بوده‌اند به نقل درست کلمات مقید نبوده‌اند) که *i* در واج‌نویسی معمول محققان برابر با کسره است و *u* برابر با ضمه و *e* برابر با «ی» و *o* برابر با «و». بنا بر این، تنها فرق عمده این است که کسره اصلی در آن دو زبان در تلفظ شبیه است به کسره عربی و ضمه شبیه به ضمه عربی.<sup>۴</sup> پس شیوه درست به راحتی به دست می‌آید و برای این شیوه درست استدلال هم لازم نیست، چون مثلاً *Mihr*، که نام ایزدی است، در فارسی بدل به مهر شده است نه *\*Miher* همان گُل فارسی است، نه *\*Miher*؛ ولی *gul dōst* برابر با دوست فارسی است نه *\*dōst* و *ērān* برابر با ایران است نه *\*ērān*. حال معلوم می‌شود که چرا املائی تیشتر (نام ایزدی است) غلط است و تیشتر، که به صورت درست یا مصحف در فرهنگ‌ها هست، درست است، و چرا *\*Miher* در برابر *čihhr* غلط است و *čihhr* درست است و الی آخر.<sup>۵</sup>

۳. زبان‌هایی مانند سغدی و بلخی و ختنی دشواری‌شان قدری بیش‌تر است. علی‌العجاله از آنها می‌گذریم. در مورد سغدی آوانویسی در بین محققان اروپایی نیز معمول نیست.

۴. *a* برابر با فتحه است و *e* برابر با «ا»، *i* برابر است با «ی» و *o* برابر است با «و». این را اهل تخصص رعایت می‌کنند و غیرمتخصصان گاه بلی گاه نه.

۵. این که کسره و ضمه‌ای هم مانند کسره و ضمه فارسی امروز در آن دو زبان باشد یا نباشد اثری در بحث ما ندارد، چون اگر باشد نیز باز باید به کسره و ضمه امروزی نوشته شود.

۶. ستاره یعنی کلمه وجود ندارد. در نوشته‌های کسانی که بی‌بهره از سواد کافی در این مسائلند البته کلماتی مانند گول هم وجود دارد.

پس ما در نقل کلمات فارسی میانه و پهلوی اشکانی به خط فارسی دشواری چندانی نداریم، چون تقریباً با یک زبان واحد مواجهیم و به هر شیوه که کلمات فارسی را می‌نویسیم، کلمات آن دو زبان را نیز باید بنویسیم.

### ب. اوستایی و فارسی باستان

تقریباً همان قواعدی که گذشت در مورد این دو زبان نیز صادق است، با این اختلاف که بعضی مصوت‌های اوستایی در فارسی امروز نیست یا دقیقاً همان نیست، و باید آن‌ها را به نحو تقریبی نقل کرد. این مصوت‌ها عبارتند از:

- *a*، که مانند مصوت‌های غنه فرانسوی است و در فارسی باید آن را، بر حسب قواعد آوایی که ذکر آن‌ها نوشته را فنی خواهد کرد، گاه با «ن» و گاه با «ان» نشان داد؛
- *ā* که یک مصوت گرد پسین است و شاید بهترین نشانه برای آن «و» باشد؛
- *ā* و *ā* که کسره بهترین معادل آن‌ها در فارسی است؛
- *e* که کسره معادل آن است، ولی گاه «ی» و آن معمولاً زمانی است که در پایان کلمه واقع شده باشد؛
- *ē* که جز در بعضی کلمات، که ذکر آن‌ها نیز نوشته را فنی خواهد کرد، «ی» بهترین معادل آن است؛
- *o* که غالباً بهترین معادل آن ضمه است و گاه «و»، ولی این کاربرد اندک «و» به جای *o* نیز از مسائل فنی است؛
- *ō* که جز در اندک کلماتی همیشه «و» بهترین معادل آن است؛
- *āē* و *ōi* که بهتر است همیشه به صورت «ای» نقل شود؛
- *ao* که باید همیشه به صورت «او» نقل شود؛<sup>۶</sup>
- *āi* که برابر است با «ای»؛
- *āu* که برابر است با «او».

این چهار مصوت اخیر اصطلاحاً مصوت‌های مرکبند. در مورد باقی مصوت‌ها همان قواعدی را باید رعایت کرد که در بحث از مصوت‌های پهلوی و پهلوی اشکانی گذشت، یعنی *i* برابر است با کسره، *u* برابر است با ضمه، *i* برابر است با «ی»

۷. معادل چند نشانه را یادآوری می‌کنیم: *z* = *ž*، *š* = *š*، *č* = *č* و *c* = *č*، *δ* = *γ*، *غ* = *x*، *خ* = *β* و *یا ف*.

۸. املائی *-ō* و *-ō* مطلقاً غلط است و باید از آن پرهیز کرد؛ مثلاً *دیناو* و *گوش* مطلقاً غلط است، چون بنا نیست مصوت مرکب با همزه نشان داده شود.

اما مادام که بحث دقیق لفظی در میان نباشد، باید صورت‌های آشنا و معمول فارسی را به کار برد، یا با جست‌وجو در متون قدیم فارسی و عربی به دست آورد. چند مثال:

- باختر که نام من در آوردی عجیبی است به جای بلخ باید کنار گذاشته شود و همان بلخ گفته شود، مگر آن‌که بحث لفظی در میان باشد، که در آن صورت باختره یا باخذه<sup>۱</sup> می‌توان نوشت و در بار اول لازم است صورت آوانگار هم در کمانک یا پایین صفحه قید شود.
- نام ایزدان و دیوان زردشتی را به همان صورت معروفشان در فارسی یا پهلوی باید آورد، مانند مهر، بهرام، هرمزد یا اورمزد، تیشتر، بوشاسپ یا گوشاسپ، تیر، ناهید، خرداد، مرداد، اسفندارمد (نه با ذال معجمه که مشهور شده)، شهریور، وای، گُوش، دین<sup>۱۱</sup> و... و حتی المقدور از نام‌های اوستایی پرهیز کرد، باز مگر آن‌که بحث لغوی مطرح باشد.
- نام‌هایی مانند کوروش و داریوش نیز به این صورت بی‌اشکال نیست، ولی ظاهراً از کاربرد آن‌ها چاره‌ای نیست. کورش البته در متون قدیم هست، ولی دومی شاید درست‌تر آن بود که به صورت دارا در فارسی به کار می‌رفت، ولی اکنون راه بر آن بسته است.
- چند کلمه و نام جعلی نوظهور در قرن اخیر را نیز نباید فارسی شمرد و از استعمال آن‌ها باید پرهیز کرد؛ از جمله مزدیسنا، یسنا، گات‌ها، پردیس، پاسارگاد. به عبارت دیگر، ملاک فارسی بودن استعمال آن در متون قدیم است نه جعلیات معاصران که گاه با وجود آگاهی از نادرست بودن چنین ضبط‌هایی، تا حدی به ناچار، از شیوه معتاد غلط پیروی کرده‌اند.

کلمه‌ای در ایرانی باستان به h ختم شود، در خط فارسی لازم است یک نشانه جزم روی حرف «ه» گذاشته شود تا از های ناملفوظ ممتاز شود. گاهی در متون فارسی زردشتی مصوت‌های کوتاه را به حروف عله نوشته‌اند، مانند اورور به جای اُرور (به معنی گیاه) و گروتمان به جای گُرتمان (به معنی بهشت) و مانند این‌ها، ولی این را می‌توان، بلکه باید، استثنا تلقی کرد.  
۱۰. با های ناملفوظ.

۱۱. می‌توان قرارداد کرد که و برابر با واو مجهول است و ی برابر با یاء مجهول، یا آن‌که نشانه‌ای روی واو و یاء بگذاریم تا معروف و مجهول بودن از هم متمایز شوند. آسان‌ترین شیوه ظاهراً همین استفاده از ضمه پیش از واو و کسره پیش از یاء، به ترتیب برای بیان واو مجهول و یاء مجهول، است. واو و یاء معروف در این شیوه بی‌نشان خواهد بود.

و ā برابر است با «و». a نیز که پیداست فتحه است و «ا». مصوت‌های مرکب کوتاه au و ai و مصوت‌های بلند āi و āu در فارسی باستان را به همان شیوه مصوت‌های مرکب اوستایی باید منتقل کرد.

با این وصف معلوم می‌شود که Mithra سابق الذکر را باید به شکل مِترَه نوشت نه میتره،<sup>۹</sup> Ahura را باید اَهْرَه نوشت نه اهوره یا اهورا، Vohumanah را باید وُهْمَنَه نوشت نه وُهومَنَه و الی آخر. در واقع تحولات کلمات در فارسی به ما باید بفهماند که صورت درست کدام است: مهر می‌گوید که مصوت اول کلمه Mithra کسره است نه مصوت بلند «ی»، و بشتاسف می‌گوید که Vištāspa را باید وِشتاسپَه نوشت، نه وِشتاسپَه، و به همین قیاس.

مصوت‌های کوتاه پایانی دشواری‌ای پیش می‌آورد. مصوت‌های کوتاه a و i را، چنان‌که گذشت، بهتر است مطابق سنت خط فارسی با های ناملفوظ نشان داد. دقیق‌ترین شیوه در نقل مصوت کوتاه u این است که آن را با ضمه نشان دهیم؛ مثلاً xratu را می‌توان خَرْتُ نوشت. اشکال این کار این است که سنت خط فارسی با چنین چیزی بیگانه است. اگر این شیوه اختیار شود، مصوت‌های کوتاه a و i را نیز می‌توان با فتحه و کسره نشان داد؛ مثلاً yasna را یَسَنَ نوشت و bāji را باج. راه دیگر این است که کاربرد های ناملفوظ را به کلمات مختوم به مصوت کوتاه u نیز توسعه دهیم و مثلاً کلمه سابق الذکر را خَرْتُه بنویسیم. در هر دو حالت چنین چیزی دقیق‌تر از خَرْتُ است. نقل صامت‌ها آسان‌تر است، ولی یادآوری درباره آن‌ها نیز لازم است:

x & x̄	خ	β	و/ف
x <sup>v</sup>	خو (=واو معدوله)	η	نگ
γ	غ	š̄/š̅/š̆	ش
c/č	چ	ž	ژ
θ	ث	δ	ذ

۹. های ناملفوظ را در پایان کلمه بهتر است به پیروی از سنت خط فارسی بی‌آوریم و مثلاً مِترَه بنویسیم. همین را در کلمات مختوم به کسره نیز می‌توان به کار بست؛ مثلاً bāji به معنای «باج» را می‌توان به شکل باجه (با های ناملفوظ) نوشت. اگر

فرهنگ‌های فارسی است، که بعضی محققان معاصر، مانند پورداود، نیز گاه به آن توجه داشته‌اند. دیگر آن که ai به نحو دقیق‌تر برابر است با «ای» (نه‌ی) و au برابر است با «او» (نه‌ی). این نکته‌ای است که باید به آن توجه داشت و کوتاه بودن ظاهری a نباید باعث اشتباه شود (بعضی سنسکریت‌دانان ai و āu به کار برده‌اند). ولی چون در متون فارسی هند نیز ai و au را به صورت «ی» و «و» نقل کرده‌اند، معلوم می‌شود که تلفظ جزء اول مصوّت به فتحه میل کرده بوده (و در واقع از قرن‌ها قبل میل کرده بوده) و بنابراین این املاي دوم نیز درست است. اما صامت‌ها. آنچه ممکن است دشواری ایجاد کند عبارت است از:

۱. صامت‌های اصطلاحاً دمشی مانند ph, bh, kh, gh مانند آن‌هاست. این‌ها را می‌توان به صورت «گه»، «که»، «به»، «په» نوشت و می‌توان «ه» را انداخت؛
  ۲. صامت‌های اصطلاحاً برگشته مانند ḍ و ḍ̣ و ṣ. این‌ها را بهتر است همان «ت» و «د» و «ش» نوشت؛
  ۳. ṛi و ṛi که باید آن را «ن» نوشت، مانند سنساره (نه مثلاً سامسارا یا سمساره)؛
  ۴. ṣ همان «ش» است و c همان «چ»؛
  ۵. نیم مصوّت ṛ که بهتر است آن را «ر» بنویسیم.<sup>۱۴</sup>
- با این اوصاف، می‌توان به‌عنوان مثال ضبط درست بعضی کلمات را در زیر آورد:

deva	-	دِیَوَه (نه دَوَه)
veda	-	وید یا بید یا ویدَه (نه ودا و وده)
dharma	-	دَهْرْمَه یا دَهْرْم <sup>۱۵</sup> (نه دارما)
śloka	-	شَلوکَه یا شَلوک (نه شَلگَه)
indra	-	اِنْدَرَه یا اِنْدَر (نه ایندره و ایندرا)
rāja	-	رَاجَه یا راج یا رای (نه راجا)
kr̥ṣṇa	-	کَرِشْنَه یا کَرِشْن (نه کریشنا)
arjuna	-	اَرْجُن یا اَرْجَنَه (نه اَرْجونَه)
marut	-	مَرُوت (نه مَروت)

۱۴. از جمله خود کلمه Saṁskṛta که به شیوه‌ی نه‌چندان درستی سنسکریت (یعنی با «ی») نوشته می‌شود، ولی اکنون دیگر از پذیرفتنش چاره نیست. در اوستایی و فارسی باستان این ʀ را بهتر است به صورت «یر» نشان دهیم.

۱۵. انداختن مصوّت کوتاه پایانی در مراحل متأخرتر تحولات زبان‌های هندی معمول است.

نام‌های ایرانی یونانی شده را باید حتی المقدور به صورت اصلی آن‌ها بازگرداند و از صورت‌هایی مانند ارتبانوس، گوریاس، مگابوزس، هیستاسپس، آراخوسیا، باکتیریا، هیرکانیا یا هورکانیا و جز آن‌ها پرهیز کرد. درباره نام‌های جغرافیایی بهترین راهنما صورت بعدی این نام‌ها در متون و اسناد ادوار بعد است و در مورد نام‌های خاص اشخاص رجوع به اصل این نام‌ها در کتیبه‌ها و متون ایرانی و تحقیقات محققانی مانند رودیگر اشمیت،<sup>۱۲</sup> از جمله در مدخل‌های دانشنامه ایرانیکا، و هیچ پروا نباید کرد از استعمال مثلاً گرگان به جای هیرکانیا. چنین چیزی، به‌خلاف آنچه می‌گویند، موجب خطای تاریخی نمی‌شود و اگر هم احیاناً شود، نام کهن را می‌توان در کمانک ذکر کرد و آن نام کهن نیز هیرکانیا نیست و ورکانه است.<sup>۱۳</sup> درباره غالب نام‌های دیگر نیز می‌توان به همین صورت استدلال کرد.

#### ج. سنسکریت (و زبان‌های هندی)

به خاطر دارم که مترجم کتابی درباره هند، در نام یک مجله هندی که یک جزئی نام آن کشور بود، این نام را «هیند» نوشته بود. آن فرد خواسته بود دقتی در کار کند، ولی در واقع اشتباه کرده بود. آنچه در صفحات و سطور قبل گذشت بحث درباره ضبط کلمات سنسکریت و بعضی دیگر از زبان‌های هندی را آسان می‌کند. در ضبط این کلمات اولین راهنما، چنان‌که گذشت، رجوع به کتاب‌هایی مانند مالهند و صیدنه و پانتجل ابوریحان و ترجمه‌های عصر اکبرشاه گورکانی و مقارن آن ایام است. کلمات در این متون ممکن است به تلفظ‌ها و صورت‌های متأخر ضبط شده باشند، ولی از بعضی جهات دقیق‌ترند و مخصوصاً در ضبط اعلام بسیار به کار می‌آیند.

در نقل مصوّت‌های سنسکریت همان قواعدی بر شیوه ما باید حاکم باشد که تا کنون گذشت، جز آن‌که e و o (که گاه آن‌ها را ē و ō نوشته‌اند) مصوّت بلندند نه کوتاه، و این‌که مثلاً کتاب هندوان را در صد سال اخیر ودا یا وده نوشته‌اند غلط آشکار است؛ درست همان وید یا پید کتاب‌های فارسی هند

12. Rüdiger Schmitt.

13. هیرکانیا و مانند آن‌ها، گرچه ضبط‌های آشنا هستند، حاصل تبدیلی فکری بعضی گذشتگان نیز هستند و استمرار آن نیز مبنایی جز عادت ندارد.

## د. یونانی

وضع زبان یونانی از جهاتی فرق دارد: نخست آن که خویشاوندی آن با فارسی دور است؛ دیگر آن که کلمات و نام‌های یونانی دخیل در فارسی غالباً به واسطه عربی وارد فارسی شده‌اند؛ و سدیگر آن که scripta plena، یعنی نوشتن مصوّت‌های کوتاه به حروف عله، در نقل کلمات یونانی به عربی بسیار معمول است.

اولاً، بر خلاف آنچه در دوره معاصر معمول شده، به محض برخوردن به الف (آلفای) یونانی نباید در خط فارسی الف نوشت. درست است که تلفظ الف یونانی با فتحه فارسی فرق دارد، ولی به لحاظ تاریخی گاه معادل آن است.<sup>۱۶</sup> با این حال، نقل کلمات یونانی به خط عربی و فارسی، چه در مورد الف یونانی چه دیگر مصوّت‌های یونانی، یکدست نیست و یک نگاه به بعضی تواریخ قدیم حکما، مانند صوان الحکمة منسوب به ابوسلیمان سجستانی و تاریخ الحکماء قفطی و نزهة الارواح شهرزوری این را معلوم می‌کند. از برای نمونه بعضی نام‌ها (عمدتاً نام‌های حکما) را ذکر می‌کنیم:<sup>۱۷</sup>

افلاطون / افلاطُن، ارسطو / ارسطاطاليس (به الف و یاء توجه شود)، فرمانیدس / برمانیدس / بارمانیدس، امیرس / اومیرس، اثین (= آتن به تلفظ امروزی ما)، سولون / سولُن، انبذقلس / انباذقلس، افیغورس / ابیقورس، ایرن / اهرُن (Heron).

بعضی را نیز با صورت مشهور در زبان‌های اروپایی ذکر می‌کنیم تا شیوه نقل نام‌های یونانی به‌طور تقریبی در پیش چشم آید، ضمن آن که توجه می‌دهیم آنچه به خط فارسی نقل می‌کنیم «یکی» از صورت‌های مذکور در متون قدیم است:

ابرخس (Hipparchos)، ابلونیوس (Appollonios)،

۱۶. واقع آن است که فتحه اوستایی و فارسی باستان و سنسکرت نیز در تلفظ معادل فتحه امروزی ما نیست، ولی در هر حالت مصوّتی کوتاه است و بهترین معادل آن در فارسی فتحه است و تحوّل آن نیز همین را می‌رساند و نشان دادن آن با الف غلط واضح است.

۱۷. از کتاب‌های دیگر در طبقات پزشکان و حکما و کتاب‌هایی مانند فهرست ابن‌نديم و مختار الحکم مشر بن فاتک نیز برای شیوه ضبط نام حکیمان و دانشمندان یونان و هم ضبط کلمات یونانی دخیل در عربی می‌توان استفاده کرد، ولی این‌جا دامنه بحث را محدود کردیم. به علاوه، نخواستیم شیوه نقل بعضی نام‌های یونانی در کتیبه‌های پهلوی و ندرتاً در کتاب‌های پهلوی را نیز وارد بحث کنیم.

ارفاؤس (Orpheus)، اسقلیپوس (Asklépios)، اقریطون (Criton)، انکساغورس (Anaxagoras)، ناؤفرسطس (Theophrastos)، غلقون (Glaucion)، فلوطرخس (Plutarchos)، نیقولائوس (Nikolaos).

بر نکته سوم یک بار دیگر تأکید می‌کنیم: در نام‌ها و کلمات یونانی دخیل در عربی، استفاده از حروف واو و یاء و الف برای نشان دادن مصوّت‌های یونانی بسیار معمول است و حتی مصوّت‌های کوتاه یونانی را نیز مکرراً با این سه حرف نشان داده‌اند؛ از جمله e یونانی را بسیار پیش آمده که به حرف الف بنویسند، مانند Zephyros < زافُرُس، Aetós < اناطوس، Kassiépeia < قاسیاییا، Androméda < اندروماذا، Aigókerōs < اغوقارِس، Megistos < ماجیستوس.<sup>۱۸</sup>

از آنچه گذشت معلوم می‌شود که ضبط نام‌های یونانی به خط عربی و فارسی همیشه قواعد روشنی نداشته، ولی باید گفت که امروز بی‌قاعده‌تر از گذشته است. برای نزدیک شدن به مقصد اول کاری که لازم است استقرای نام‌های حکما و دانشمندان یونانی در کتاب‌های معتبر عربی و فارسی و سنجیدن صورت‌های مختلف آن‌ها با یکدیگر و سپس تحقیق در تحوّل‌ات آوایی کلمات دخیل از یونانی در فارسی و عربی است؛ کلماتی مانند پول و بوقلمون و سیم (نقره) و سمندر و ققنوس و ناموس و جز این‌ها. آن‌گاه باید نام‌های یونانی مذکور در اسناد پهلوی ساسانی و اشکانی و سغدی را نیز به‌همراه کلمات دخیل از یونانی در این زبان‌ها جمع آورد و تحوّل‌ات آوایی آن‌ها را استخراج نمود و سپس با آنچه از شیوه نقل این نام‌ها و کلمات به خط عربی و فارسی به دست آمده برابر نهاد و یک بار دیگر سنجدیم. در آخر کسی که زبان یونانی را خوب می‌داند و بر آشناسی تاریخی آن آگاه است باید حاصل را بر تلفظ‌های دقیق یونانی عرض کند و بار سوم مثال‌ها و شواهد را بسنجد تا به معیارهایی قابل اطمینان یا قابل اتکا در ضبط کلمات و نام‌های کهن یونانی دست یابیم. چون آخرین مرحله برای نویسنده حاضر ممکن نیست، بحث درباره کلمات یونانی را به همین جا ختم می‌کند.

۱۸. این چند اصطلاح نجومی از این کتاب نقل شد:

P. KUNITZSCH, *Der Almagest. Die Syntaxis Mathematica des Claudius Ptolemäus in arabisch-lateinischer Überlieferung* (Wiesbaden, 1974), p. 119.



## Table of Contents

### Editorial

The Written Heritage Research Institute: Thirty Years of Endeavour.....	5-6
---	-----

### Articles

A Review of the Oldest Manuscript of Nizami-ye 'Arūzī's <i>Chahar Maqala</i> (The Four Treatises), Copied in the 8th Century AH. / Amir ARGHAVAN .....	7-18
The Kujujī Poets: Families, Poetry, and Forms of Patronage in Azerbaijan and Beyond (Fourteenth to Seventeenth Centuries) / Christoph WERNER; Translated by Mehdi RAHIMPOUR .....	19-35
The Bilingual Inscription of Zalamkot / Ehsan SHAVAREBI; with a contribution by Ingo STRAUCH .....	36-55
Anūshīrvān's Pand-Nāma (Book of Wisdom); A Newly-Found Manuscript of Amīr-Al-Shu'arā, Burhāni-yi Nayshābūrī's Composition / Mehdi TAHMASEBI .....	56-69
The Mention of the Persian Gulf in Dictionaries of The Hebrew Bible and Talmud / Heidar EIVAZI .....	70-72
Resāle-ye <i>Rumūz-i Tahrīr-i 'Ibārāt</i> (A Treatise on the Use of Punctuation in Writing) / Ali BOUZARI .....	73-78
A Study on a Couplet of Anvarī's <i>Diwan</i> (Collection of Poems) / Mahmoud ALIPOUR .....	79-81
<i>Tazkirat-Al-Mu'āsirīn</i> (Memoirs of the Contemporaries): An Obscure Memoir of Persian Poets / Jamil JALEBI; Translated by Anjom HAMID .....	82-89
A Newly-Found Couplet of Sanā'ī / Mohsen AHMADVANDI .....	90-92
Shared Persian and Arabic Adages and Allusions Commonly Used In Palestine / Soheil YARI GOLDARREH .....	93-95
'Arif-i Īji or 'Arif-Al-Hay Isfahāni (A Contemplation on an Erroneous Reading by The Editor of <i>Latā'if-Al-Khīyāl</i> (Subtleties of Imagination)) / MohammadSadegh KHATAMI .....	96-97

### Reviews and Critiques

A Review of <i>Pronunciation in Classical Persian Poetry</i> (Second Edition) / Mehdi KAMALI .....	98-114
Old Folios of a Quran Translation In Persian (The So-Called Shīrānī Quran) / Milad BIGDELOU .....	115-123
A Review of <i>Nizami-ye Ganjawā: Life and Works</i> / Mehdi FIROUZIAN .....	124-132

### Essays on Research

Notes on the Transliteration of Middle Iranian, Old Iranian, Sanskrit, and Greek Words into Persian Script / Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI .....	133-137
Cuneiform Texts in Persian Script: Transliteration and Transcription / Soheil DELSHAD .....	138-146

### Iran in Ottoman Texts and Sources (25)

Life and Works of Muhammad Sa'id Efendi / Nasrollah SALEHI .....	147-149
--	---------

### On the Previous Articles

A Response to 'Arīf Naushahi's Article on <i>The Library of Congress Catalogue of Persian Manuscripts</i> / Ali SAFARI AQ-QALEH .....	150-155
---	---------

# Gozaresh-e Miras

98 - 99

Quarterly Journal of Textual Criticism,  
Codicology and Iranology  
Third Series, vol. 7, no. 1 - 2, Spring - Summer 2022  
[Pub. Winter 2024]

**Proprietor:**

The WRITTEN HERITAGE RESEARCH INSTITUTE

**Managing Director & Editor-in-Chief:**

Akbar Irani

**General Editor:**

Masoud Rastipour

**Managing Editor:**

Younes Taslimi-Pak

**Cover:**

Mahmood Khani

**Print:**

Miras

No. 1182, Enghelab Ave.,  
Between Daneshgah St. & Abureyhan St.,  
Tehran, Iran

**Postal Code:** 1315693519

**Tel:** 66490612, **Fax:** 66406258

**Website:** [www.mirasmaktoob.com](http://www.mirasmaktoob.com)

**E-mail:** [gozaresh@mirasmaktoob.ir](mailto:gozaresh@mirasmaktoob.ir)

## Table of Contents

### Editorial

The Written Heritage Research Institute: Thirty Years of Endeavour..... 5-6

### Articles

- A Review of the Oldest Manuscript of Nizami-ye 'Arūzī's *Chahar Maqala* (The Four Treatises), Copied in the 8th Century AH. / Amir ARGHAVAN ..... 7-18
- The Kujujī Poets: Families, Poetry, and Forms of Patronage in Azerbaijan and Beyond (Fourteenth to Seventeenth Centuries) / Christoph WERNER; Translated by Mehdi RAHIMPOUR ..... 19-35
- The Bilingual Inscription of Zalamkot / Ehsan SHAVAREBI; with a contribution by Ingo STRAUCH ..... 36-55
- Anūshīrvān's Pand-Nāma (Book of Wisdom); A Newly-Found Manuscript of Amīr-Al-Shu'arā, Burhāni-yi Nayshābūrī's Composition / Mehdi TAHMASEBI ..... 56-69
- The Mention of the Persian Gulf in Dictionaries of The Hebrew Bible and Talmud / Heidar EIVAZI ..... 70-72
- Resāle-ye Rumūz-i Tahrīr-i 'Ibārāt (A Treatise on the Use of Punctuation in Writing) / Ali BOUZARI ..... 73-78
- A Study on a Couplet of Anvarī's *Diwan* (Collection of Poems) / Mahmoud ALIPOUR ..... 79-81
- Tazkirat-Al-Mu'āsirīn* (Memoirs of the Contemporaries): An Obscure Memoir of Persian Poets / Jamil JALEBI; Translated by Anjom HAMID ..... 82-89
- A Newly-Found Couplet of Sanā'ī / Mohsen AHMADVANDI ..... 90-92
- Shared Persian and Arabic Adages and Allusions Commonly Used In Palestine / Soheil YARI GOLDARREH ..... 93-95
- 'Arif-i Īji or 'Arif-Al-Hay Isfahāni (A Contemplation on an Erroneous Reading by The Editor of *Latā'if-Al-Khīyāl* (Subtleties of Imagination)) / MohammadSadegh KHATAMI ..... 96-97

### Reviews and Critiques

- A Review of *Pronunciation in Classical Persian Poetry* (Second Edition) / Mehdi KAMALI ..... 98-114
- Old Folios of a Quran Translation In Persian (The So-Called Shīrānī Quran) / Milad BIGDELOU ..... 115-123
- A Review of *Nizami-ye Ganjawi: Life and Works* / Mehdi FIROUZIAN ..... 124-132

### Essays on Research

- Notes on the Transliteration of Middle Iranian, Old Iranian, Sanskrit, and Greek Words into Persian Script / Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI ..... 133-137
- Cuneiform Texts in Persian Script: Transliteration and Transcription / Soheil DELSHAD ..... 138-146

### Iran in Ottoman Texts and Sources (25)

- Life and Works of Muhammad Sa'id Efendi / Nasrollah SALEHI ..... 147-149

### On the Previous Articles

- A Response to 'Arīf Naushahi's Article on *The Library of Congress Catalogue of Persian Manuscripts* / Ali SAFARI AQ-QALEH ..... 150-155